

## پیدایش آفرینش در ادیان و علم

خرد زنده جاودانی شناس      خرد مایه زندگانی شناس  
خرد رهنمای و خرد دلگشا      خرد دست گیرد بهردو سرای

گفته شده که حقوق زنان در قرآن و آموزش های اسلامی، همچون پاشنه آشیل و یا عبارتی چشم اسفندیار این مذهب می باشد. اکثر منتقدین به اندیشه های اسلامی، عمدتاً "مرکز ثقل انتقادات خود را روی این ضعف متمرکز کرده اند و هزاران صفحه در رد چنین اندیشه زن ستیزانه به نگارش در آورده اند. به اعتقاد کاونده این مجموعه ای که در دست دارید، در تفکر قرآنی پاشنه آشیل های فراوانی می توان دید، که تنها یک نمونه آن می تواند حقوق زنان باشد، و گرنه مسایلی از قبیل برده داری روز قیامت و سرانجام مباحث علمی و پیدایش آفرینش چیزی کمتر از مسئله زن در اسلام نمی باشد و منتقدین شاید کمتر صفحاتی را به نقد آنها اختصاص داده اند.

محسن کدیور یکی از آخوندهای دگر اندیش نظام انسان ستیز جمهوری اسلامی طی مقاله ای در مجله آفتاب شماره بیست و پنجم چاپ ایران، تحت عنوان (معضل برده داری در اسلام) چنین نوشته: به سه دلیل "مساله برده داری در اسلام معاصر" نیازمند بحث و مطالعه است. اول: در آیات متعددی از قرآن کریم به عبید و اماء (غلام و کنیز) اشاره شده است، در سنت پیامبر (ص) و سیره ائمه (ع) نیز مباحث مرتبط با مملوکان کم نیست.

دوم: برخی از علمای مسلمان معاصر اعم از فیلسوف، فقیه، مفسر و محدث به صراحت از برده داری مذکور در متون اسلامی دفاع می کنند و آن را اجماعی مطابق حکم عقل معرفی می نمایند. سوم: اکثر کشورهای مسلمان از جمله ایران کلیه میثاق ها، کنوانسیون ها و مقاوله نامه های بین المللی الغای برده داری را پذیرفته اند و متعهد شده اند که تمام مظاهر برده داری را ریشه کن کنند، چاره اندیشی در باره تعالیم دینی در باره برده داری و پاسخ به عالمان مدافع برده داری از لوازم تحکیم مبانی حقوق بشر در جوامع اسلامی است. "پایان نقل قول"

این سخن ها از یک حجت الاسلام، به سادگی تضاد اساسی آموزشهای اسلامی را با موازین حقوق بشر، روشن می نماید و آشکار بودن مباحث ضد علمی در اسلام تا حدی است که حتی برخی از روحانیون لب به انتقاد آن گشوده که از نظر خود آیه های قرآنی، این انتقادات جنبه کفر دارد و منتقدان تحت عنوان مرتد و واجب القتل می باشند. اکنون که در درون این رژیم قرون وسطایی، این انتقادات به متون قرآنی گفته می شود، معلوم نیست چرا بخش بزرگی از نیروهای روشنفکری خارج از کشور، مانند تشکیلاتهای سیاسی، هنرمندان، نویسندگان، شعرا، محققین در تاریخ و... همچنان مهر سکوت بر لب دارند و کمتر به نقد و بررسی این فاجعه فرهنگی نشئت گرفته از اسلام می نشینند.

در این جستار قصد ما نقد و عملکرد برده داری که بطور آشکار در قرآن پذیرفته شده نیست و اینبار به داستان آفرینش در قرآن و سپس در ایران باستان 4 هزار سال پیش و در پایان مباحث کنونی علم را با هم پی می گیریم.

در قرآن بیش از 250 آیه درباره آفرینش گفته شده که می توان به موارد زیر اشاره نمود. سوره رعد آیه 2 " او الله ی است که آسمانها را چنانکه مشاهده می کنید بدون ستون برافراشت، سپس خود را بر عرش نشانید و خورشید و ماه را تسخیر کرد. " در آیه 32 سوره انبیاء " ما آسمان را سقفی محفوظ و طاقی محکم آفریدیم و این کافران از آیات آسمانی رو گردانند. "

آیه 65 سوره حج " الله نگاه میدارد آسمان را که روی زمین نیفتد مگر وقتی که فرمان این عمل را صادر کند. "

در آیه 37 سوره قاف " ما آسمانها و زمین و آنچه را که بین آنهاست در شش روز آفریدیم و هیچگاه از این کار خسته نشدیم. "

در آیه های 8 تا 12 سوره فصلت " آیا براستی کسی که زمین را در دو روز آفرید، انکار می کنید و بر او مثل و مانند قرار میدهید؟ او الله جهانیان است و در بالای زمین کوههای استوار برافراشت ( درجایی گفته مانند میخ در دور زمین قرار داد) و انواع برکت ها در آن قرار داد و قوت و ارزاق را در چهار روز مقدر و معین کرد و روزی طلیان را در کسب روزی خود یکسان نمود. آنگاه به آفرینش آسمانها که دودی بیش نبود، توجه کرد. پس الله به زمین و آسمانها گفت: بیائید به فرمان من، یا از روی شوق و رغبت و یا از روی اکراه و بی میلی. آسمانها و زمین گفتند: ما از تو فرمانبرداری می کنیم. پس نظم هفت آسمان را در دو روز استوار کرد و به هر آسمانی وحی نمود که به نظم درآید و آسمان دنیا را به چراغهای درخشنده زینت داد. این تقدیر الله مقتدر و داناست. "

اما در سوره نحل آیه های 3 و 4 " الله آسمانها و زمین را برای احراز حقیقت خود آفرید و از آنچه مشرکان گویند و برای او شریک آورند منزّه است. "

در سوره بقره آیه 20 و سوره نباء آیه 6 آمده " آیا ما زمین را مانند بستری پهن نکردیم. "

سوره الملک آیه 5 " و ما آسمان دنیا را به چراغهای درخشانده زیب و زینت دادیم و آنها را به منزله تیرهایی قرار دادیم تا شیاطین را برانند و ما آماده کردیم برای آنها عذاب آتش را. سوره روم آیه 47 " الله برای شما سایه بان ها و خانه هایی در کوه قرار داد. " سوره نوح آیه 14-15 " آیا نمی بینی چگونه هفت آسمان را بروی یکدیگر آفریده و ماه منبع نوری و خورشید را چون چراغی آفریده. " سوره یونس آیه 5 " او کسی است که خورشید را روشنایی داد و ماه را نور بخشید. " سوره مزمن آیه 63 " الله، آن کسی است که شب را آفرید تا در آن آرام گیرد و روز را برای بینایی. " سوره الرحمن آیه 17 " آسمان دنیا با ستارگان زینت داده شده و از سخن چینی شیاطین در امان نگه داشته شده است. " سوره بقره آیه 29 " اوست که هر چه در زمین هست یکسره برای شما آفرید، سپس به آسمان پرداخت و هفت آسمان را به پا ساخت و به همه چیز داناست. " احتیاجی به تفسیر بیشتری ندارد، در این آیه الله اعتراف کرده که اول زمین را آفرید و سپس به آسمان پرداخت و این آیه را با سایر آیاتی که در قبل آوردیم مقایسه کنید. چرا در کلام الله که باید ابدی و ازلی باشد و کوچکترین اشکالی در این لوحه محفوظ نباید تا این حد اختلاف گفتاری و نقصان به چشم می خورد. سوره حجر آیه 19 " و زمین را بگسترده و در آن کوهها فکندیم و همه چیزهای مناسب در آن برویاندیم ( با همکاری چه کسی؟). " سوره نحل آیه 15 " و در زمین لنگرها ( از کوهها ) افکند تا شما را نلرزاند و جویها و راهها کرد شاید هدایت یابید. " الله از کمان خود تیرهایی روانه زمین کرد که آنها امروزه کوهستانها گفته اند و سپس نه توسط ماشین های جاده سازی و ریختن اسفالت روی این جاده، بلکه با جادو و یا فرستادن فوتی راهها و جویها را بوجود آورد. سوره فاطر آیه 41 " خدا آسمانها و زمین را ننگه می دارد که نیفتند و اگر بیفتند، جز او هیچکس ننگه شان نمی دارد که خدا بردبار و آموزگار است. " سوره ذاریات آیه های 47 و 48 " و آسمان را به فوت ساختیم و قدرت داشتیم و زمین را بگستریم و نکو گسترندگانیم. " حتی بر فرض محال اگر بپذیریم همه اینها که برشمردیم از الله سرچشمه گرفته و اوست که آفریننده تمام هستی است، با خواندن آیه زیر تمام ذوق و شادی ما از بین می رود. چرا که الله همه این مواهب را برای ترس بشر آفریده و علومی را که خود در اختیار دارد، نه برای آسایش و آزادی انسانها، بلکه برای بیم و ترس و در این چار چوب بخاطر نیایش به درگاه اوست که مطرح می کند، به این آیه توجه کنید: سوره رعد آیه 12 و 13 " اوست (سوم شخص مفرد) که برق را برای بیم و امید به شما می نمایاند و ابرهای گرانبار پدید می آورد. " رعد بستایش او و فرشتگان از بیم او تسبیح گویند. صاعقه ها می فرستد و هر که را خواهد دچار آن کند، معذالک آنها درباره خدا مجادله می کنند و او سختگیر است. در این آیه الله چندین بار از او نام برده و جای پرسش است که کلام الله باید از دهان خود او آورده شود، یعنی باید نوشته می شد، من سختگیر هستم و من صاعقه می فرستم. نه اینکه از او نام برده شود. سوره حج آیه 1 و 2 " ای مردم، از پروردگارتان بترسید که زلزله رساخیز، چیزی است هول انکیز. " سوره حاقه آیه های 13 تا 16 " و چون یکدم در صور بدمند، و زمین و کوهها برداشته شوند و به یک شکستن درهم بشکنند، آن روز حادثه رخ داده است و آسمان بشکافد که آن روز آسمان سست باشد. " در همین مختصر آیه هایی که آورده شد، بر کناز از غیر علمی و در تقابل آشکار با خرد گرفتن آنها یا یک پدیده دیگری مواجه می شویم و آن تضاد و تناقض این آیه هاست. از جمله اینکه مثلاً " در جایی صحبت از آفرینش در شش روز، آیه دیگر در مدت 2 روز و باز کمی آنطرفتر، از چهار روز آفرینش زمین و امروز به نظم در آوردن آسمانها بحث شده. با یک حساب ریاضی برخی اوقات به این آگاهی می رسیم که تو گویی هفته از هشت روز تشکیل شده و الله حتی در روز شمار هفته دچار لغزش و اشتباه شده. در پاره ای از آیه ها الله ابتدا به ساکن، آسمانها را آفریده و سپس به آفرینش زمین دست یازیده و در جایی کاملاً " واژگونه ابتدا زمین را آفریده و سپس آسمان را در 2 روز. این بحث را با آوردن آیه های بیشتری ادامه میدهیم: در سراسر قرآن 7 آیه از هفت آسمان نام برده شده و 2 آیه نیز اشاره ای به آن دارد. سوره مومنون آیه های 17 و 18 " براستی بالای شما هفت راه آفریدیم و از این مخلوق بی خبر نبودیم، از آسمان آبی به اندازه نازل کردیم و آن را در زمین جا دادیم، و ما به نابد کردن آن قادریم.

همین سوره آیه 86 " بگو: پروردگار هفت آسمان و عرش بزرگ کیست؟ سوره بنا آیه 12 و 13 " وبالای سر شما هفت آسمان محکم ساخته ایم و در آن چراغی فروزان نهاده ایم.

و در سوره طلاق، مُلک و نوح نیز بترتیب در آیه های 12، 3، 15 و 16 در همین مورد مطالبی یافت میشود، و اما در رابطه با آفرینش انسان از گل (خاک).

سوره انعام آیه 2 " اوست که شما را از گلی آفرید.

سوره حجر آیه های 26 تا 34 " انسان را از گل خشک، از گل سیاه بو گرفته بساختیم و جنیان را از آتش بی درد بساختیم، و چون او را برداختم و از روح خویش در آن دمیدم، فرشتگان همگیشان یکسره سجده کردند. مگر ابلیس که از همراهی سجده کنان ایا ورزید.

سوره اسراء آیه 61 " و چون به فرشتگان گفتیم آدم را سجده کنید، همه سجده کردند، مگر ابلیس که گفت چگونه کسی را که از گل آفریدی سجده کنم؟"

سوره مومنون آیه 12 " براستی که انسان را از مایه ای از گل آفریدیم."

سوره سجده آیه 7 " و خلقت انسان را از گل آغازید."

سوره فاطر آیه 11 " خدا شما را از خاک آفرید."

سوره صافات آیه 11 " از مشرکان بپرس، آیا خلقت ایشان سخت تر است با این چیزها که خلق کرده ایم که آنها را از گل چسبناک خلق کرده ایم. (معلوم نیست به غیر از الله چه کسان دیگری دست اندر کار خلقت بوده اند که آورده شده، خلق کرده ایم و یا آفریده ایم)."

در این آیه معلوم نیست الله که بدون شریک است و تنها اوست که آفریننده همه چیز می باشد، چگونه تبدیل به جمع می شود و در ابتدای آیه می گوید: به فرشتگان گفتیم، به عبارت ساده تر گفتیم جمع گفتم است، همچنان که در یک آیه بالاتر به درستی از اسم مفرد استفاده شده و می گوید: چون او را برداختم. و این یکی دیگر از تناقضات نگارنده گان قرآن می باشد. الله در جای ما یعنی جمع گفته شده، در مورد دیگر او یعنی سوم شخص مفرد آورده شده و سرانجام من که اول شخص مفرد است طرح گردیده.

خرد گرایان خوانند، مهر ورزیده و به این نکات شاید کم اهمیت توجه بیشتری را میزول بدارند. بهتر دیدم که با خطبه ای از علی پسر ابوطالب، امام اول شیعیان و خلیفه چهارم سفیان، این قسمت را به پایان برسانم و سپس به دیدگاه متفکرین ایران باستان آشنا شویم. خطبه 1 - در کیفیت خلق آدم علیه السلام:

پس از آنکه خداوند متعال آسمان و زمین و خورشید و ماه و ستارگان را آفرید، از جای سنگلاخ و جای هموار زمین و جایی که مستعد برای کشت و زرع بود و جای شوره زار، پاره خاکی را فراهم آورد، آب بر آن ریخت تا خالص و پاکیزه شد و آن را با آب آمیخت تا بهم چسبید. آنگاه از خاک آمیخته شده شکلی را که دارای اطراف و اعضاء و پیوستگیها و گسستگیها بود بیافرید. پس آن گل خشکیده را جان داد، بر پا ایستاد در حالتی که انسانی شد دارای قوای مدرکه، که آنها را در معقولات بکار می اندازد و فکریایی که در کارها تصرف می نماید.

خطبه 90 - در بیان چگونگی آفرینش زمین و گسترانیده شدن بر روی آب:

خداوند متعال بیشتر زمین را فرو برد در جنبش موجهای آب که مانند حیوان نر بر ماده خود هنگام صولت و هیجان می باشد، و مانند حیوانهای نر که هنگام هیجان شهوت و مستی کف بر لب می آورند. این خطبه طولانی است و اگر مهربان یاران گرمای علاقه مند هستند میتوانند کاملتر آنرا در کتاب نهج البلاغه مطالعه فرمایند.

هم چنین خطبه های 202 - 1 و 90 را که در مورد آفرینش می باشد.

اکنون به دانش زمین شناسی و ستاره شناسی از دیدگاه متفکران ایرانی قبل از اسلام و حتی هزاران سال پیش از آن می پردازیم. این نکته قابل ذکر می باشد که عمده فاکتها زیر توسط دانشمندان غربی غیر ایرانی آورده شده و از اینکه کسی را متهم به نژاد پرستی کنیم و یا بگوئیم تعریف از قوم آریائیانی می باشد، سخنی غیر منطقی است و شوربختانه پژوهشگران ایرانی خود کمتر در رابطه با گذشته تابان و پر بار خویش قلم زده و تحقیق نموده اند.

در ادامه این جستار خواهیم دید، در ایران باستان چگونه دانشمندان و خردگرایانی بودند که با ابزارهای ابتدائی، پی به کروی بودن زمین برده بودند و بر اساس گردش کره زمین به دور خورشید، سالنامه و حتی از نوع دقیق آن یعنی سال کیبسه را اختراع نمودند. دانش ستاره شناسی ایرانیان باستان، بالاتر و فراتر از اندیشمندان سایر نقاط دنیا بوده و دلایل محکمی در تائید این نظر وجود دارد. ابتدا از رصد خانه و اختر شناسی در ایران باستان شروع می کنیم. مطلب زیر بر گرفته شده از گاهنامه ایران زمین به تاریخ خرداد سال 3741 ایران باستان یا جون 2003 میلادی، می باشد.

رصد خانه و اختر شناسی در ایران باستان

ایرانیان از دو رصد خانه و برای تطبیق زمان استفاده می کردند.

1 - رصد خانه زرتشت که در 45 کیلومتری جنوبی شهر سوخته و در بزرگترین تپه مسکونی آسیای غربی در استان سیستان قرار دارد و از قدیمترین رصد خانه های جهانست. زرتشت نام این رصد خانه را (جاودان کت) گذاشت که بعدها به نام گنگ دژ مشهور شد و تازیان آن را قبه الارض نامیده اند. قدمت شهر سوخته طبق آخرین کاوشها در حدود 2800 تا 5200 سال پیش است. گفته اند که زرتشت در رصدخانه نیمروز حلول خورشید به برج بره را رصد کرد و تقویم یزدگردی باستانی را اصلاح و بنیادگاه شماری جدیدی را پی افکند. (توضیح در مورد تقویم یزدگردی و تقسیم سال به 365 و سال کیبسه) ... زرتشت در 42 سالگی رصد کرده و سال رصد زرتشت 3300 سال خورشیدی بعد از یزدگردی باستانی است. و سال تقویمی آریایی که حتی با کربن ایزوتوپ از یافته های باستان شناسی ایران به دست آمده چیزی در حدود 7500 تا 8000 سال می باشد.

حکیم عمر خیام نیز تقویم خود را از گاهنمان تاریخ شمسی یزدگردی استخراج کرده و در سال 529 میلادی زمان بسته شدن مکتب افلاطونی در آتش به جرم ارتداد، بازماندگان و شاگردان افلاطونیان به شهر مدائن پایتخت ایران آمدند و انوشیروان از آنها استقبال کرد. پلونیوس یکی از تاریخ نویسان یونانی یک سده پیش از میلاد از ایران دیدن کرده و چنین می گوید:

وقتی که من در ایران بودم، دانشمندان ایرانی در حال اندازه گیری شعاع و انحنای کره زمین بودند و زمین را کروی تخم مرغی شکل می دانستند همزمان یونانیان زمین را صاف می دانستند و باور داشتند که اطراف یونان را آب فرا گرفته و آتن مرکز یونان و یونان مرکز زمین است. فلسفه نور فیثاغورث که خورشید را مرکز جهان می دانست، تحت نفوذ و دانش مغان ایرانی بوده که به کرویت زمین و گردش زمین به دور خورشید اعتقاد داشتند.

آلتو فیلسوف یونانی که خود شاگرد افلاطون بود، در کتاب فلسفه خود می نویسد که افلاطون تمام دانش خود را از زرتشت گرفته است. شیفتگی و گرایش دانشمندان یونانی به جایی رسید که همه آنها برای وجهه دادن دانش خود آن را به زرتشت نسبت می دادند.

آناکساگوراس که با مکتب ستاره شناسی آشنایی داشت هنگامی که به آتن رفت و عقاید خود را مبنا بر گردش سیارات، بادهای تند، برق، ستاره های دنباله دار، هواشناسی، کسب نور ماه از خورشید، وجود تپه و کوه و دره در ماه و گداخته بودن و مشتعل بودن خورشید اظهار داشت، یونانیان خرافاتی این اظهارات را نپذیرفتند و او را به اتهام بی دینی و آموختن ستاره شناسی و طرفداری از ایرانیان به دادرسی فرا خواندند، و او موفق به فرار شد.

ژان ژاک الیزه روکولو می نویسد، در عصر اوستا ایران به کرویت زمین و گردش آن به دور خورشید، هزاران سال پیش از هر انسانی از جمله کوپرنیک و گالیله پی برده بودند. قبلاً" در بند 95 مهر پشت چنین آمده:

می ستانیم ایزد مهر را که از کلام راستین آگاه است، او کسی است که پس از فرو رفتن خورشید به پهنای کره زمین بدر آید.

در بند 19 ارت پشت در زادن زرتشت آمده است، در هنگام تولد و نشو و نماي آن اشو، اهریمن بگریخت از این زمین پهن کروی و...

در آبان پشت بند 38 و باز مانده های دفترهای دینی جهان و مینوی خرد، جهان را گرد تخم مرغی شکل یا بیضوی نوشته اند.

چنانکه در روایت پهلوی می خوانیم:

زیر و زبر و پیرامون گرده زمین فره آید و شباهت آن چونان تخم مرغی است که نگاه داری مادی ندارد) یعنی زمین پایه و ستون ندارد و بر جایی قرار نگرفته است).

در بند 43 مینوی خرد می خوانیم:

آسمان و زمین و آب و هر چیزی که درون آن است به شکل تخم است درست مانند تخم مرغان و شباهت زمین در میان آسمان مانند زرده است میان تخم و آب در میان زمین و آسمان همچون آب در تخم است.

این قسمت را با کمک از کتاب بسیار با ارزش جستاری در پیشینه دانش کیهان و زمین در ایران ویچ نوشته دکتر مانوئل بریریان، صفحات 176 و 177 به پایان می رسانم و سپس ادامه بحث را به شکلی دیگر با هم پی گیری می کنیم.

بررسی دانش زمین شناسی ایرانیان تا 4000 سال پیش، نشان داد که ایرانیان در این دوره از بینش بالایی برخوردار بوده و به بسیاری از رازهای گیتی اندیشیده و برای برخی از آنها پاسخ های دانشی درستی یافته بودند. ایرانیان در این دوره از کان سنگ آهن و دیگر کان سنگها استفاده می کردند. برخوردار بودن از اندیشه درست دانشی این مردمان، در ارزش و اهمیت دادن به آخشیح های چهارگانه و ترتیب آفرینش های ششگانه کیهانی دیده می شود. از دیگر باورهای آریایی، اعتقاد به گرد بودن زمین، لایه لایه بودن آن، سه طبقه بودن گوی زمین در ژرفا و مذاب بودن درون زمین است بالیدن و رستن کوهها از زمین گرد بی شیب و فراز، کانپسازی همراه آن و پاره شدن و گسستن پوسته زمین،

سه انگاره زیبا و درست دانشی این دوره ایرانیان است که 4000 سال بعد در سده های 19 و 20 در اروپا و آمریکا به اثبات می رسند. بررسی 23 مورد از نوشتارهای کهن روشن ساخته که از دیدگاه کهن آریایی، کوه یک ناخود آگاه کیهانی به حساب می آمده و به همین جهت، این ناخود آگاهی کیهانی تا کنون در اندیشه ما باقی مانده است.

از شگفت ترین بینش های این دوره، داشتن آگاهی از اثر ماه گوی چهره بر تخمه جانوران و گیاهان زمینی و نیروی کشنده آن بر آبهای زمین است. انتخاب باد از آخشیج های چهارگانه (عناصر چهارگانه) موجود در این دوره به عنوان نیرومندترین آخشیج مسبب رویداد زمین لرزه، انگاره باد زندانی در زمین و رویداد زمین لرزه را به وجود آورده است. این انگاره، دو هزار سال بعد به نام ارسطو در نوشته های باختری به ثبت می رسد. از دیگر آگاهیهای آریایی ایرانیان این دوره، شناخت پدیده فرسایش بوسیله باد، شناخت زمان خارج شدن انسان از غار و آغاز دوره فلزات، پیوند نزدیک میان گونه بوزینه مردمان و مردمان روشن سفید چشم، ریخت هندسی کمانی البرز کوه، شناخت سنگها، و ستاره شناسی است. همانطوری که در این فرگرد دیده شد، از دیدگاه دانش و فرهنگ زمین، این دوره یکی از روشنترین و تابناکترین دوره های تاریخ ایران زمین بوده است. هجومهای ویرانگر روزهای پیشین این دوره و دوره های بعد، سبب ایست کامل ایرانیانی شد که در 4000 سال پیش، از چنین دانش، بینش و فرهنگ والایی برخوردار بودند. پایان نقل قول.

Saied-ohady